

عقب‌ماندگی ایران در دوره مظفری از دید روزنامهٔ ثریا

معصومه مرادی^۱

چکیده

روزنامهٔ ثریا، که در دورهٔ مظفری به عنوان روزنامه‌ای تبعیدی و با افکاری روشن‌فکرانه در قاهره منتشر می‌شد، در مقاله‌های متعدد به بررسی دلایل عقب‌ماندگی و عدم پیشرفت ایران در زمینه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... پرداخت. این روزنامه، دلیل عمدۀ عقب‌ماندگی و وضعیت نابسامان مردم ایران را در بی‌سوادی و جهالت جامعه، تقدیرگرایی، وابستگی سیاسی و اقتصادی به خارج و نبودن عدالت و مساوات می‌دانست و برای غلبه بر این وضعیت نابسامان، به ارائه راهکارهای متعدد پرداخت. ثریا تأکید داشت که ایجاد مدارس جدید و دانشگاه‌ها در ایران و سوادآموزی برای مردم، اعم از زن و مرد، برای غلبه بر جهل عامهٔ مردم که از سواد محروم بودند، ضروری است. از طرف دیگر این روزنامه بر ضرورت ارتباط با دیگر کشورها و استفاده از پیشرفت‌های نوین آنها تأکید نمود. این روزنامه همچنین، گسترش تجارت و کشاورزی و عدم وابستگی به بیگانگان را از دیگر عوامل پیشرفت ایران دانست. در نهایت اینکه، این روزنامه مهم‌ترین عامل از میان رفتن عقب‌ماندگی کشور را وطن‌گرایی و حب وطن بیان نمود و تأکید کرد که اگر ملت، حب وطن داشته باشند و در آبادانی آن بکوشند، کشور پیشرفت خواهد کرد.

واژگان کلیدی: ثریا، علت‌شناسی انحطاط و عقب‌ماندگی، دورهٔ قاجاریه، قاهره.

۱. مرادی، دانشگاه آزاد کنگان، نشانی الکترونیکی: moradi.masomeh@gmail.com

مقدمه

جامعه ایران در عصر قاجار، با وجود داشتن فرهنگ و تمدنی قدیمی و درخشان، همچنان به صورت یک جامعه سنتی بود و باورهای فراوان، همراه با تعصب و رزی شدید، بر روح و فکر بیشتر افراد جامعه حکم فرمایی داشت. مردم بسیار پایبند به آداب و رسوم ملی و سنتی بودند و از هرگونه شیوه نوین زندگی به دور مانده بودند.^۱ بنابراین در چنین جامعه‌ای، امکان هیچ‌گونه پیشرفتی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، نظامی و... وجود نداشت. هر چند از دوران عباس‌میرزا، تلاش‌هایی در جهت رواج تکولوژی غرب در ایران صورت گرفته بود، تا زمانی که مردم جامعه از نظر فکری و آگاهی، متحول نمی‌شدند، پیشرفتی نیز در کشور حاصل نمی‌شد و ایران همچنان به عنوان کشوری عقب مانده، باقی می‌ماند. از این رو نیاز بود که به گونه‌ای سطح آگاهی مردم، بالا رود.

یکی از مهم‌ترین شیوه‌های اطلاع‌رسانی در دوره قاجار، روزنامه‌ها بودند که نقش بسیار ارزنده‌ای را در آگاهی مردم از علوم و فنون جدید بازی می‌کردند. روزنامه‌هایی که در این دوران منتشر می‌شدند، یا دولتی بودند، یعنی زیر نظر دولت منتشر می‌شدند، مثل روزنامه دولت علیه، وقایع اتفاقیه و...، و یا روزنامه‌هایی بودند که به صورت خصوصی و توسط افرادی روشنفکر در داخل یا خارج از کشور انتشار می‌یافتد.

آن دسته از روزنامه‌هایی که به طور خصوصی منتشر می‌شدند، بیشتر به مسائل اجتماعی و مشکلات جامعه توجه داشتند و تلاش می‌کردند دیدگاه‌ها و راه حل‌های خود را جهت اطلاع و آگاهی مردم از طریق درج مقالات، گسترش دهند. از جمله این روزنامه‌ها، ثریا بود. روزنامه ثریا، به مدیریت میرزا علی محمدخان کاشانی از چهاردهم جمادی‌الآخر سال ۱۳۱۶ه.ق در قاهره شروع به انتشار کرد و به زودی انتقادات گسترده‌خود را از وضع موجود جامعه ایران در دوره مظفری آغاز نمود. این روزنامه در مقالات متعدد به بررسی دلایل عقب‌ماندگی ایران پرداخت و تلاش نمود تا با ارائه راه حل، کشور را از این وضعیت نجات بدهد.

تاکنون کتاب یا مقاله‌ای که به طور خاص به بررسی دیدگاه روزنامه ثریا در زمینه عقب‌ماندگی و عدم پیشرفت ایران در زمینه‌های مختلف پردازد، نوشته نشده است؛ از این رو این مقاله می‌تواند نخستین گام در این راستا باشد.

۱. علی اصغر شمیم، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: انتشارات زریاب، ۱۳۸۳، ص ۳۷۲

جهل و نادانی و بیسواندی از مهم‌ترین دلایل عقب‌ماندگی جامعه

روزنامه‌ثريا در اکثر مقالات انتقادی خود، به عقب بودن ایران در اکثر زمینه‌ها پرداخته است؛ اما مهم‌ترین دلیل عقب‌ماندگی را، جهل و نادانی ایرانیان می‌داند: «... در امروز که آفتاب علم و تمدن، شرق و غرب را روشن داشت و از هر روزنی بر هر سیاه چالی تایید و آثاری از ظلمت نگذارد، ما اهالی ایران در ظلمت نادانی خفاش صفت، از پرتو این شمس محروم بمانیم...»^۱ به عقیده این روزنامه یکی از مهم‌ترین دلایل جهل و نادانی، وضعیت بد تعلیم و تربیت افراد و نیز شیوه اشتباه آموزش به آنهاست. در این باره می‌نویسد: «... وضع تعلیم در مملکت فلک‌زده ما به چه قسم است، سه چهار هزار طلاب علوم شرعی -کثرا الله امثالهم- جای خود دارند که شصت سال اوقات عزیز را به تحصیل و تبع مصروف می‌دارند و در انجام، هیچ نفعی از ایشان امت را نمیرساند که اقلاً این قوانین متین و شریعت را به فارسی عوام‌فهم، ترجمه و استخراج نفرمایند که عموم را از آن فایده‌رسد...»^۲

این روزنامه دلیل استیلا و غلبه انگلکیس بر ملل مسلمان را، علم و دانش مردم این کشور و تحصیل آنان در مدارس می‌داند، که هم باعث قدرتمند شدن ملت می‌شود و هم دین و آئینشان حفظ می‌گردد.^۳

ثريا راه حل مبارزه با جهل و نادانی را علاوه بر ترجمه آثار عربی به فارسی از طریق صاحب‌نظران، دست کشیدن از شیوه‌های قدیمی علم‌آموزی در مکتب‌خانه و ایجاد مدارس جدید بیان می‌کند. در واقع، این روزنامه، اصلی‌ترین راه رهایی از عقب‌ماندگی ایرانیان را افتتاح مدارس به سبک جدید می‌داند. نقطه امیدبخش، روند روبرشد افتتاح این مدارس در دوره مظفری بود و روزنامه‌ثريا از جمله مشوّقان افتتاح این گونه مدارس بود. به گونه‌ای که تقریباً در هر شماره، بر لزوم علم‌آموزی ایرانیان و رهایی از جهل و نادانی‌ای که به آن گرفتار آمده بودند، تأکید می‌شد. گزارش‌های متعدد از مدارسی که افتتاح می‌شد، سخنرانی‌هایی که به

۱. میرزا علی محمدخان کاشانی، «دارالخلافه طهران»، ثريا، سال دوم، ش ۹، ۱۷ ذی القعده ۱۳۱۷ / ۱۰ مارس ۱۹۰۰، ص ۵.

۲. همان، «ملاحظات سیاسی در امور بنادر فارس»، ثريا، سال دوم، ش ۱۹، ۲۳ ذی القعده ۱۳۱۷ / ۲۴ مارس ۱۹۰۰، ص ۱۷.

۳. همان، «مویه ثريا بر جگرگوشگان وطن»، ثريا، سال اول، ش ۳۷، ۲۹ صفر ۱۳۱۷ / ۸ جولای ۱۸۹۹، ص ۱۱.

۳۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

هنگام تأسیس این مدارس توسط بانیان آنان ایراد می‌گشت و حتی شرح امتحانات آنان در شماره‌های مختلف این روزنامه به چاپ می‌رسید.

به عقیده روزنامه، علاوه بر عقب‌ماندگی ایران در زمینه کسب علوم جدید و ایجاد مدارس به شیوهٔ جدید، که آن را مهم‌ترین عامل عقب بودن ایران می‌داند، برای رهایی از این جهالت و غفلت باید سستی، کاهلی و تنبلی را یک سو نهاد و تلاش و کوشش را آغاز کرد. اگر تلاش و کوشش خود را مصروف داریم و آنچه امروز در تنبلی و سستی مصروف می‌داریم، در راه ترقی و پیشرفت استفاده کنیم، به هدف خود که همانا رهایی از عقب‌ماندگی و پیشرفت کشور است، خواهیم رسید.^۱

- وابستگی سیاسی و اقتصادی به خارج

از دیگر عواملی که به عقیده روزنامهٔ ثریا، دلیل عقب‌ماندگی ایران قلمداد می‌شود، وابستگی سیاسی و اقتصادی کشور به خارج است.

نکته‌ای که هنگام بررسی تاریخ قاجاریه جلب توجه می‌کند، وابستگی دولتمردان و رجال سطح بالای مملکتی به دولت‌های انگلیس و روس است. روزنامهٔ ثریا دلیل آن را جهالت ایرانیان می‌داند و می‌نویسد: «... امروز در ایران رواج بازار خیانت که فی الواقع نتیجهٔ جهالت است، از هر چیز بیشتر است؛ زیرا اگر کسی جاهل نباشد، رضا نمی‌شود ناموس و عرض خویش را به پول بفروشد و اگر پرده از روی کار برداشته شود، معلوم گردد که نصف ماهها انگلیس مآب و نصفمان روسی مآب هستیم... آنچه مان در ایالات جنوبی واقع شده‌ایم لیبرال یعنی طرفدار انگلیسی هستیم و اگر احیاناً خلاف آن رفتار کنیم... هواخواه روس‌ها... پس حق دارند جناب میرپنج که در ایالات جنوبی واقع‌اند بگویند مالک رقاب ما فرنگان‌اند...»^۲

به عقیدهٔ ثریا، یکی از دلایل وابستگی سیاسی دولتمردان ایران به کشورهایی چون روسیه و انگلیس، عدم وطن‌پرستی و حب وطن است.^۳ ثریا حب وطن و وطن‌پرستی را یکی از عوامل اصلی و مهم انسانیت می‌داند و آن را یک پدیدهٔ غریزی می‌شمارد و از آنجایی که ایرانیان دوره

۱. همان، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی»، ثریا، سال اول، ش ۳۴، ص ۱۰ / ۱۳۱۷ ژوئن ۱۸۹۹، ص ۱۲

۲. همان، «ثریا»، ثریا، سال اول، ش ۳۶، ص ۲۲ / ۱۳۱۷ ۱۰ جولای ۱۸۹۹، ص ۲

۳. همان، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی»، ثریا، سال اول، ش ۲۵، ۵ ذی الحجه ۱۳۱۷ آوریل ۱۸۹۹، ص ۱۱

مظفری را فاقد حس وطن‌پرستی می‌داند، نتیجه می‌گیرد کلمه انسان را نمی‌توانیم به مردم سرزین خودمان اطلاق کنیم.^۱

ایران علاوه بر وابستگی سیاسی، از نظر اقتصادی نیز به شدت به کالاهای صنایع خارجی وابسته بود و همین امر، وابستگی سیاسی را نیز تشدید می‌کرد. ثریا این امر را یکی از عوامل بدینختی و عقب‌ماندگی ایران می‌دانست: «... عمده مصائب و بدینختی ما این شده که به اجانب، از جزئی و کلی، محتاجیم و نخست باید رفع احتیاج کرد و بعد به مداوای دردهای دیگر کوشید...»^۲ در شماره ۳۷ سال دوم روزنامه نیز عنوان می‌کند که امروز ما در داخل کشور از صنایع داخلی و سود حاصل از آن بی بهره‌ایم و محتاج و نیازمند کالاهای بیگانه هستیم.^۳

ثریا دلیل افزاش چندین برابری صادرات در این دوره را تبلی و کاهش ایرانیان از یک طرف،^۴ و نداشتن کارخانجات جدید که در اروپا در زمینه‌های مختلف به وجود آمده‌بود—از طرف دیگر، و نیز نداشتن ابزارآلات جدید و پیشرفته در زمینه‌های مختلف، مخصوصاً کشاورزی، بیان می‌کند. بنا به عقیده این روزنامه، کشور در گام اول، باید در زمینه‌های مختلف، از جمله کشاورزی، خود را تقویت کند؛ چون اولین راه قطع وابستگی، خودکفایی در زمینه تولیدات کشاورزی است. در حالی که ما به علت فقدان علم و فن زراعت، اراضی حاصلخیز خود را بایر و لمبزرع گذاشته‌ایم و از تمام منافع آن دست کشیده‌ایم، اروپاییان تمام بازار ما را مملو از محصولات و کالاهای خود کرده اند و ما هیچ تلاشی از خود نشان نمی‌دهیم.^۵

- تقدیر گرایی

از دیگر عواملی که ثریا آن را دلیل عقب‌ماندگی ایران می‌داند، تقدیر گرایی و نسبت دادن تمام حوادث و مشکلات به خواست خداست، و دلیل آن را تبلی و سستی ایرانیان می‌داند که چون در کارها و امور مختلف عقب می‌افتد آن را به خواست خداوند نسبت می‌دهند.^۶ به عقیده ثریا، از دیگر دلایل نسبت دادن مسائل به خواست خدا، جهل مردم است: «جهل ما

۱. همان، «حب الوطن من الإيمان»، ثریا، سال اول، ش ۲۶، ۱۲ ذی الحجه ۱۳۱۶ / ۲ آوریل ۱۸۹۹

۲. همان، «ثریا»، ثریا، سال دوم، ش ۱۸، ۱۸ ذی القعده ۱۳۱۷ / ۱۷ مارس ۱۹۰۰، ص ۸

۳. همان، «ترقی ما و دیگران»، ثریا، سال دوم، ش ۲۷، ۳۷ ۱۳۱۷ / ۲۲ سپتامبر ۱۹۰۰، ص ۱۱

۴. همان، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی»، ثریا، سال اول، ش ۳۴، ۱۰ ۱۳۱۷ / ۱۷ ذوئن ۱۸۹۹، ص ۱۲

۵. همان، «ترقی ما و دیگران»، ثریا، سال دوم، ش ۳۷، ۲۷ ۱۳۱۷ / ۲۲ سپتامبر ۱۹۰۰، ص ۱۱

۶. همان، «ملاحظات سیاسی در امور بنادر فارس»، ثریا، سال دوم، ش ۱۶، ۲ ذی القعده ۱۳۱۷ / ۳ مارس ۱۹۰۰

۳۶ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

علت نقم ماست و بی‌علمی ما سبب تعب ما؛ اگر غفلت دامنگیر ما نبود و جهل رفیق شفیق، هرگز راضی نمی‌شدیم که به این ذلت زندگی کنیم و اسمش را ریاضت و فقر بخوانیم و به هیچ تلاشی که باعث ترقی انسان است متمسک نگردیم و شب و روز دربطالت اوقات شریف را صرف کنیم و نامش را توکل خوانیم...».^۱

ثریا بر این بود که انسان جز با تلاش و کوشش خود به هیچ چیز نمی‌رسد. اگر انسان تلاش کند، رحمتش به هدر نمی‌رود. در حالی که ما ایرانی‌ها هیچ رحمتی به خود راه نداده و انتظار برداشت بهترین نتایج را داریم. تبلی، کاهلی، خودپستی، خودپرستی، کبر و غرور و نخوت، ما را به این روز انداخته و چون از اصلاح آن عاجزیم، ناچار آن را خواست و تقدیر خداوند قلمداد می‌کنیم.^۲ این روزنامه هچنین بر این نکته تأکید می‌کند که نباید از توکل به خدا اجتناب کرد؛ ولی امروز ما ایرانیان بهانه‌ای جز این نمی‌بینیم که هنگامی که از ما سوال می‌شود چرا مانند دیگر سرزمین‌ها پیشرفت نکردیم و یا چرا زمینه آن را فراهم نکردیم، (به طنز) آن را « به اقتضای امانی و تقدیرات سماوی نسبت می‌دهیم که از روز ازل با شرقیان به طور عموم و مخصوصاً با ایرانیان دشمن بود...».^۳

به علاوه به نظر این روزنامه، ایرانیان باید با پرداختن به علم و دانش و فراغیری علوم جدید، خود را همگام با دیگر کشورهای جهان قرار دهنده و اگر همه چیز را به گردن قضا و قدر بیاندازند، روز به روز عقب‌افتداده‌تر از پیش خواهند شد. بنابراین باید تبلی و کاهلی را کنار گذاشته و به جای شکایت از قضا و قدر، از انگلیس و روسیه درس بگیریم. در حقیقت اعمال آنها جای ستایش دارد؛ چون به فکر منافع ملی خود هستند. ثریا معتقد است ایرانیان باید اندوخته‌های پیشینیانشان را حفظ کرده و آن را با جهالت و تبلی از دست ندهند؛^۴ چرا که جهالت عاقبت بدی را به دنبال خواهد داشت. وی تأکید می‌کند که ایرانیان باید از چین عبرت بگیرند؛ زیرا آنچه اروپاییان بر سر چین آوردند، بواسطه نادانی و جهالت چینی‌ها بود که باعث خواری و ذلت آنان شد بود.^۵

۱. همان، «بقیه مقاله نعم علم و نقم جهل»، ثریا، سال اول، ش ۸ سوم شعبان ۱۳۱۶/۱۷ دسامبر ۱۸۹۸، ص ۱۱

۲. همان، «ملاحظات سیاسی در امور بنادر فارس»، ثریا، سال دوم، ش ۱۶، ۷ ذی القعده ۱۳۱۷/۳ مارس ۱۹۰۰، ص ۱۸

۳. همان، «بقیه مقاله مصاحبه از نمره ۲۸»، ثریا، سال دوم، ش ۱۱، ۴ رمضان ۱۳۱۷/۶ نوامبر ۱۹۰۰، ص ۱۸

۴. همان، «هل یستوى الاعمى و البصير»، ثریا، سال اول، ش ۲۶، ۱۱ شعبان ۱۳۱۶/۷ ژانویه ۱۸۹۹، ص ۱۳

۵. همان، «بقیه مقاله و ذکر فان الذکر تنفع المؤمنین»، ثریا، سال اول، ش ۱۴، شانزدهم رمضان ۱۳۱۶/۲۸ ژانویه

- نبودن عدالت و مساوات

از دیگر مشکلات اجتماعی دوره قاجار، نبودن عدالت و مساوات بود. بدینهی است تا زمانی که مساوات و عدالت در جامعه وجود نداشته باشد، کشور پیشرفت نمی‌کند. به عقیده‌ثریا، باید از طرف حکومت مساوات برقرار شود و غنی و فقیر را به یک چشم ملاحظه کنند و اگر مرافعه پیش آمد و طرف فلان فقیر بی‌بضاعت و فلان‌الدوله واقع شد، طرفداری از وی نکنند و اگر حکمی صادر شود از روی مساوات باشد و نه از روی مقام و شأن.^۱

در شماره دیگر می‌نویسد: «... علت سیه‌روزگاری و هلاکت ما، بزرگان یا بعاراتی اوضاع روسای روحانی و جسمانی ما هستند که از عدل و انصاف عدول کردند و به جور اعتضاف میل کردند و قوی را رشوه‌خواری دین شد و طایفه را مردم‌آزاری آئین گشت... [رؤسای] جسمانیان... اینها جان رعایا را به چماق گیرند... سارق را دست ببرند اگر فقیر باشد، و بر اکرامش بیافزیند اگر میر باشد... حلال حرام و زهرش نوشدارو، و فحش طیبات است. شریف اگر دزدی کند، همه درخور ستایش، و امیر اگر سارق باشد پسندیده و نیکو...» البته هر حاکمی که حکم به ناعدل کند، آن فرد مسئول کار خویش است ولی دلیل آن عدم وطن‌پرستی و منفعت‌طلب بودن افراد است.^۲

ارجحیت منافع شخصی بر منافع ملی در سراسر دوره قاجار به وفور به چشم می‌خورد. اکثر قراردادهای منعقد شده در دوره ناصری و مظفری از این اصل پیروی می‌کردند. از طرف دیگر، افرادی که به مقام‌های بالا می‌رسیدند نه به خاطر لیاقت و استعداد، بلکه از طریق کانال‌های نامشروع در دوره قاجار، به قدرت دست می‌یافتند. بنابراین بعد از روی کار آمدن، چندان به فکر منافع ملی نبودند. در شماره چهارده از سال اول روزنامه ثریا، این مطلب را می‌توان در مقاله مدرسه دارالفنون (فساد اخلاق) مشاهده کرد که در مطلبی انتقادی، نویسنده از اینکه بودجه این مدرسه صرف تحصیل و هزینه آموزشی نمی‌شود انتقاد می‌کند و از این مطلب می‌توان به وجود فساد اداری در نظام آموزشی پی برد.^۳

۱۸۹۹، ص ۱۱

۱. همان، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی»، ثریا، سال اول، ش ۲۵، پنجم ذی الحجه ۱۳۱۷ / آوریل ۱۸۹۹

۱۸۹۹، ص ۱۲

۲. همان، «ملاحظات سیاسی در امور بنادر فارس»، ثریا، سال دوم، ش ۲۰، ۲۹ ذی القعده ۱۳۱۷ / مارس ۱۹۰۰

۱۹۰۰، ص ۱۸

۳. همان، «دارالفنون (فساد اخلاق)»، ثریا، سال دوم، ش ۱۴، ۱۷ شوال ۱۳۱۷ / فوریه ۱۹۰۰، ص ۱۱

۳۸ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

این نمونه‌ای بود که در روزنامه ثریا انتشار یافته بود؛ ولی این واقعیت که دولتمردان قجری در مسائلی که مربوط به حفظ منافع ملی کشور بود، چندان تلاشی از خود به راه نمی‌دادند، به کرات دیده‌می‌شد که نمونه بارز آن را در دوره مظفری، می‌توان در استقراض‌هایی که از روسیه و انگلیس صورت می‌گرفت، دید. راهکار روزنامه ثریا برای رهایی از این مشکل، تلاش برای تقویت حس وطن‌پرستی در میان ایرانیان بود.

راهکارهای ثریا برای پیشرفت ایران

ژاپن از جمله کشورهایی بود که هم‌زمان با قدرت داشتن قاجار، روند پسرعتی را برای پیشرفت پیمود. از آنجا که ژاپن یک کشور آسیایی بود، زمانی که ایرانیان به ضعف و عقب‌ماندگی خود پی بردن، این کشور را الگوی مناسبی برای خود احساس کردند و به همین دلیل به تمام جوانب پیشرفت آن توجه می‌کردند. ثریا در یکی از مقالات خود این سؤال را مطرح می‌کند که چه باعث شد که این دولت شرقی، در ظرف مدت سی و پنج سال، این همه ترقی کند، به طوری که امروز به جز انگلیس، هیچ دولتی را یارای مقاومت و برابری با آن نیست و کشتی‌های جنگی آن دریاهای شرق را پر کرده است. اگر ایرانیان نیز به فکر پیشرفت و ترقی بیافتد، باید مدارس و مکاتب در خاک خویش باز کنند. شک نیست که مانند ژاپن می‌توان پیشرفت کرد. چون انسان با سعی و تلاش و کوشش می‌تواند پیشرفت کند. اگر «... از وادی جهالت بگذرد و از حرکات نادانی، خودپسندی منصرف شود، یقین هر چه خواهد بیابد، و درد اینجاست که ما هنوز به جهل خویش معترف نیستیم و گمان می‌کنیم اگر دو قوم و ملت متمدن در کره زمین پیدا شود، ثانویش ماییم...»^۱

ثریا کشور را به بیماری تشییه می‌کند که درد خود را نمی‌داند و روزبه‌روز به مرگ نزدیک‌تر می‌شود. می‌نویسد: «در حالی که کشور ما مانند بیماری است که به بیماری سل مبتلاست و مرگش نزدیک شده است، ولی خودش نمی‌داند و خود را تندرست و سالم می‌داند. کسانی که از حالش مطلع‌اند، به او می‌گویند خود را مداوا کن، ولی بیمار جاهم، گفته حکما را تمسخر می‌کند و غرور و نادانی نمی‌گذارد. حتی اگر زمانی به این فکر بیافتد، بعضی از جاهلان او را منصرف می‌کنند.^۲ بنابراین وضعیت ایران در دوره قاجار و به خصوص در دوره مظفری چنین بوده است.

۱. همان، ص ۱۳

۲. همانجا

عقب‌ماندگی ایران در دوره مظفری از دید روزنامه ثریا ۳۹

از جمله مواردی که در بررسی پیشرفت ژاپن، در روزنامه ثریا به آن توجه شد، وضعیت آموزش و پرورش در این کشور بود. به گفتهٔ ثریا در ژاپن تحصیل در مدارس برای دختر و پسر اجباری است. در سه سال قبل، بیست‌وپنج هزار و سیصد و هفتاد و چهار مدرسهٔ ابتدایی و هزار و پانصد و چهل و هفت مدرسهٔ رشدیه و علمیه در ژاپن افتتاح شده‌است. دولت انگلیس ۳۱ هزار و چهل مدرسهٔ داشته، ولی در عرض این سه سال پیشرفت علم در ژاپن دو برابر انگلیس بوده‌است. تعداد شاگردان پسر، دومیلیون و سیصد و بیست هزار و هفتاد و دو شاگرد و تعداد شاگردان دختر، شصت‌وپنج هزار و صد و بیست و دو نفر و تعداد معلمین یازده هزار و سی‌وشش نفر بوده‌است.^۱

به عقیدهٔ ثریا، این پیشرفت‌ها، همه نتیجهٔ تلاش و کوشش، زحمت و ریاضت است؛ در حالی که ما هنوز در قیدوبند خیالات واهیه و تصورات موهمه هستیم.^۲ آن روزی که از این کشور نام و نشانی در علم نبود، ما صاحب علم و دارای ثروت و مدنیت بودیم؛ لکن اکنون باید نگاه کرد ژاپن به علت علم و ترقی سرآمد تمام کشورهای جهان شد.^۳

پیشنهادی که روزنامه به مردم ارائه می‌دهد، چنین است: «از این رو ایرانیان باید به خود بیایند و با درس گرفتن از ژاپن، راه را برای پیشرفت هموار کنند؛ چون تا این درجه عقب‌مانده بودن ایرانیان از قافلهٔ تمدن، به اندازهٔ ترقی و پیشرفت ژاپن حیرت‌انگیز است. پس باید برای ترقی گام برداریم.^۴

در حقیقت، راهکار ثریا برای رهایی و نجات از این عقب‌ماندگی، تنبه و آگاهی مردم است که «... چشمها گشایند و گوش‌ها فرادهند و عالم را با چشم بینا و دل دانا تماشا کنند و در تدارک آنچه محتاجیم یکرویه همت مصروف دارند و احتیاج ما از اجانب اندک و این آگاهی و تنبه افراد ملت را حاصل نشود جز آنکه امروز بزرگان و متمولین مکاتب و مدارس تأسیس کنند و در هر شهری مریضخانه و یتیم‌خانه برپایی دارند...»^۵

علاوه بر علم آموزی و گسترش مدارس جدید به عنوان راه حل برای پیشرفت، این روزنامه

۱. همان، «ترقی علم در ژاپن»، ثریا، سال اول، ش ۱۹ شعبان ۱۳۱۶/۱۸۹۹، ص ۱۰

۲. همان، «نعم علم و نقم جهل»، ثریا، سال اول، ش ۲۸ مهر ۱۳۱۶/۱۸۹۸، ص ۱۳

۳. همان، «مکتوب از بغداد»، ثریا، سال اول، ش ۳۰ مهر ۱۳۱۷/۱۸۹۹، ص ۹

۴. همان، «بقيه مقاله ليس للإنسان إلا ما سعى»، ثریا، سال اول، ش ۳۴ صفر ۱۰ ۱۳۱۷/۱۷ ژوئن ۱۸۹۹، ص ۱۳

۵. همان، «بقيه مقاله و ذكر فان الذكر تنفع المؤمنين»، ثریا، سال اول، ش ۱۶ رمضان ۱۳۱۶/۲۸ ژانویه ۱۸۹۹، ص ۱۳

۴۰ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

در مقالات خود به ضرورت پیشرفت تجارت در کشور، رواج کشاورزی و تولید کالاهای وطنی و تشویق به استفاده از آنها تأکید می‌کند و به طور کلی، پایه و اساس ترقی را سه چیز می‌داند: زراعت، صنعت و تجارت. اگر این سه در کشور پیشرفت کند، کشور تا حد زیادی پیشرفت خواهد کرد. در یکی از مقاله‌ها، نویسنده، تجار را به دو قشر دیگر یعنی دولت و ملت برتری داده است؛ چون تجار هستند که کشاورزی و صنعت را در کشور رواج می‌دهند: «... مثلاً تجار با ثروت برای منافع خویش پنجاه محل خرابه را آباد کرده و در آن زراعت می‌کنند، هم خویش متفع می‌شود و هم به دولت و ملت خویش نفع می‌رساند؛ دوم مشوق صنعتگر می‌شود و آنچه به زحمت ایجاد و اختراع کرده، می‌خرد و وی را به پول و اسباب کمک می‌کند؛ طبیعی است صنعتگر چون دید مصنوع خویش به فروش رفت و طالب پیدا کرد، جهد و تلاش می‌کند که بهتر از اول بسازد و نکوتر از نخست جلوه دهد. پس در این صورت معلوم شد که ترقی کشوری بسته به ترقی تجارت در آن کشور است؛ هر چه دامنه تجارشان وسیع‌تر باشد، اعتبار دولتشان بیشتر خواهد و افتخار ملتشان زیادتر...»^۱

در مقاله‌ای دیگر، بر این نکته تأکید می‌کند که عامل ثروت و پیشرفت و قدرت در یک کشور، علوم و فنون، صنایع، تجارت و شراکت و اتحاد است و همه این موارد در کشورهای اروپایی یافت می‌شود و همین امر باعث پیشرفت روزافزون اروپاییان شده است.^۲ نکته دیگری که نویسنده مقاله بر آن تأکید می‌نماید، این است که پیشرفت تجارت در کشور، نیازمند امنیت است؛ زیرا اگر امنیت نباشد، تجارت در کشور نمی‌تواند ثباتی داشته باشد و در نتیجه کشور نیز نمی‌تواند پیشرفت کند.^۳

به عقیده ثریا، از دیگر راههایی که منجر به پیشرفت یک کشور می‌شود، قطع وابستگی از خارج و استفاده از کالاهای داخلی است. ایرانیان باید تا حد توان احتیاج خود را از خارج از کشور و بیگانگان کم کنند. همچنین اعتقاد دارد که «... آنچه بلا بر سر انسان آید از احتیاج است و آنچه راحت بینند از استغنا. در درجه اول کالاهای مصرفی است و اگر از این کالاهای استفاده نکنیم خللی در زندگی روزمره برای ایرانیان به وجود نمی‌آید ولی حسن بزرگ این کار

۱. همان، «مکتوب از اصفهان»، ثریا، سال اول، ش ۳۳، ۱ صفر ۱۰ / ۱۳۱۷ ۱۸۹۹، صص ۱۱-۱۰.

۲. همان، «صورت اعلان، وعده خواهی در کاشان بجهت منسوجات شرکت اسلامیه اصفهان»، ثریا، سال دوم، ش ۳۷، ۲۷ جمادی الاول ۱۳۱۸ / ۲۲ سپتامبر ۱۹۰۰، ص ۱۴

۳. همان، «بندر بوشهر»، ثریا، سال دوم، ش ۱۴، ۱۷ شوال ۱۳۱۷ / ۱۷ فوریه ۱۹۰۰، ص ۱۴.

قطع وابستگی به خارج است؛ چون اعتقاد دارد که احتیاج به خارج ضررها و بلاهای زیادی را به مردم یک کشور تحمیل می‌کند.^۱ بنابراین برای دست‌یابی به این هدف باید حس وطن‌دوستی ایرانیان اصلاح شود.

به طور کلی در دوره قاجار، بعد از آشنایی ایرانیان با غرب و شکل گیری طبقه روشنفکر در جامعه، مفاهیم وطن‌پرستی برای اولین بار وارد جامعه ایرانی شد. درباره تعریف وطن در ثریا آمده است که: وطن مملکتی است که شخصی بدان منسوب است. برای حفظ و حمایت آن باید سر و جان فدا کرد و برای آبادانی آن تلاش کرد. مثلاً شخص انگلیسی، آلمانی و فرانسوی در کشورهای خارج سال‌های طولانی باشند، اگر از فرزندان آنان سؤال شود وطن شما کجاست بلاfacile اسم وطن اجداد خود را به زبان می‌آورند و وطن اجداد خود را فراموش نمی‌کنند.^۲

بنابراین ثریا در مقالات متعددی به تقویت حس وطن‌پرستی در جامعه ایران عصر قاجار تأکید می‌کند. این روزنامه، حس وطن‌پرستی‌ای را که در کشور جدیدی مانند امریکا وجود دارد تحسین می‌کند، چون مردم این کشور از کشورهای مختلف اروپا به امریکا کوچ کردند؛ ولی اکنون در حالی که چهارصد سال از قدمت این کشور نمی‌گذرد، هم‌آنان خود را آمریکایی می‌دانند.^۳

درباره وطن‌دوستی انگلیسیان نیز در شماره ۱۲ سال اول بحث شده است، که در شهر قاهره شخصی که انگلیسی است، جز از تاجر انگلیسی امکان ندارد از کس دیگری مایحتاج خود را بخرد. اگر لباسی بخواهد، لباس انگلیسی می‌خرد، یا اگر قهوه بخواهد آن را در قهوه‌خانه انگلیسی می‌نوشد. غذا و لباس سرباز انگلیسی باید از لندن بیاید و با وجودی که جنس لندن با قاهره چندین برابر تفاوت قیمت دارد، جنس مصری را نمی‌خرند؛ به این دلیل که به تاجران انگلیسی سود برسانند. این کار انگلیسی‌ها از روی خرد و دانش آنها است؛ چون نخستین لازمه پیشرفت دوست داشتن سرزمین خود است....^۴

بنابراین، امروز ملت ایران در هر کجا که پراکنده باشند باز ملت ایران هستند: «... و وطن

۱. همان، «حب الوطن من الايمان»، ثریا، سال اول، ش ۳۰، ۱۰ محرم ۱۳۱۷ / ۲۰ مه ۱۸۹۹، ص ۱۴.

۲. همان، «حب الوطن من الايمان»، ثریا، سال اول، ش ۶، ۲۱ ذی القعده ۱۳۱۶ / ۱۸ مارس ۱۸۹۹، صص ۱۰-۹.

۳. همان، «حب الوطن من الايمان»، ثریا، سال اول، ش ۲۶، ۱۲ ذی الحجه ۱۳۱۶ / ۲۲ آوریل ۱۸۹۹، ص ۱۲.

۴. همان، «حب الوطن من الايمان»، ثریا، سال اول، ش ۱۲، دوم رمضان ۱۳۱۶ / ۱۴ ژانویه ۱۸۹۹، ص ۱۵.

۴۲ فصلنامه علمی-تحقیصی پژوهش در تاریخ

قدس ما، که خدایش از شر اعدا مصون فرماید، خاک پاک ایران است، چرا باید ما قدر آن نشناسیم و اهمیت آن را ندانیم و به خرابی و تباہی آن رضا شدیم؟ بر ماست که در هر نقطه از دنیای جدید و عتیق که ساکن هستیم، دوستدار وطن باشیم و شب و روز در خیال که اسبابی برای راحت آن تهیه و تدارک کنیم و اوضاعی برای آبادی آن فراهم آریم که اولین قدم آن افتتاح مدارس است؛ که تمام افراد کشور درست تربیت شود....»^۱

ثريا علاوه بر تأکید بر وطنپرستی مردم ایران، به وحدت اسلامی و اتحاد بین مسلمانان نیز تأکید می‌ورزد. در شماره ۱۵ سال اول آمده است: «سیاه و سفید، حبسی و قریشی، تمام مسلمانیم و ملت واحده هستیم و بر آنچه از ما فوت شده، افسوس نباید خورد و تدبیر حال و فکر استقبال را باید کرد و اگر نفاق و کدورتی که در میان ملل اسلامی بواسطه جهالت قدماًی ما باقی مانده، باب اتحاد و اتفاق بشویم... اگر به کلمه وفاق تشبیت جوئیم و از خویشتن آزاری و خودخصوصی کناره کنیم، باشد که آب رفته به جوی بازاریم و اسلام به قوت نخست بازآید و اگر این جهالت نفاق زایل گردد، عن قریب اینها ما بر دوره ما حسرت خورند و از عهد آزادی ما یاد آرند و بر جهالت ما نفرین کنند؛ که علت تفرقه و انهدام اسلامی شدیم و باعث بدیختی و فلاکت آنها گشیم. از آن طرف ملت نصارا روزبه روز کوشش دارند که نفاق را از میان بردارند و اسباب اتحاد فراهم آرند و امروز ملاحظه می‌کنیم چقدرها فرق پیدا کرده و نفاقشان بدل به وفاق شده و هنگامیکه هزار ضدیت سیاسی در میانشان ملحوظ است، چون پای مذهب در میان آمد تمام برادر می‌شوند...»^۲

بنابراین برای پیشرفت جامعه باید پایه وطنپرستی را در کشور و وحدت اسلامی را در میان کشورهای مسلمان تقویت کرد.

علاوه بر راهکارهای ارائه شده برای غلبه بر عقب‌ماندگی، راهکارهای دیگری نیز در روزنامه ثريا برای پیشرفت کشور ارائه شده است. یکی از این راهها، کشیدن راه آهن در سطح کشور است که در آن فواید بسیاری نهفته و مهمترین آن، گسترش ارتباط میان نقاط مختلف کشور است.^۳

نویسنده روزنامه معتقد است که یکی از دلایل خرابی‌ها و عقب‌ماندگی‌های جامعه ایران عصر

۱. همان، «حب الوطن من اليمان»، ثريا، سال اول، ش ۶، ۲۱ ذى القعده ۱۳۱۶ / ۱۸ مارس ۱۸۹۹، ص ۱۲

۲. همان، «ثمرة وفاق- نتیجه نفاق»، ثريا، سال اول، ش ۵، ۲۲ رمضان ۱۳۱۶ / ۴ فوریه ۱۸۹۹، ص ۱۲

۳. همان، «بقیه مقاله داء سومین انحریض»، ثريا، سال دوم، ش ۴، ۸ رجب ۱۳۱۷ / ۱۱ نوامبر ۱۸۹۹، ص ۱۷

قاجار و به خصوص دوره مظفرالدین شاه، فقدان راه‌آهن در کشور است. اگر راه آهن وجود داشت در کشور اصلاحات گوناگونی انجام می‌گرفت. از جمله فواید راه‌آهن این بود که هرگز اهالی کشور گرفتار گرانی و قحطی نمی‌شدند و مایحتاج زندگی اینقدر گران نبود. نویسنده معتقد است امروزه علت راحتی و آسایش اروپاییان احداث راه‌آهن است که سبب برکت و فراوانی نعمت از هر جهت برای ایشان شده است.^۱ ولی در ایران، به دلیل نبود راه‌آهن، اوضاع به گونه دیگر است. در ثريا در این مورد آمده است: «... در همدان و کردستان مردم به واسطه قحطی رجال و نسوان از اولاد و احفاد گرانبهاتر بضاعات خوشیش درگذرند؛ لکن در شیراز گندم خرواری پنجشش تومان باشد و در عراق ده‌وازده تومان. در آنجا مردم از گرسنگی آه کشند و دم فروینند و به خواری و ذلت بدرود حیات گفتند و در اینجا است که در مملکت، راه‌آهن نیست و اگر اینای وطن ما در پنجاه سال قبل بدین خیال افتاده بودند و اقلأً در وسط مملکت خوشیش از شرق به غرب و شمال به جنوب خط آهن می‌کشیدند، امروز به این دردهای بی‌امان نیفتاده بودند...»^۲ و به این مطلب نیز اشاره می‌کند که دلیل اینکه در یک شهر گندم و غله را موشها می‌خورند و در شهر دیگر بخاطر کمبود آن، مردم جان خود را از دست می‌دهند، نبود راه‌آهن است.^۳ در ادامه، یکی از فواید اصلی آهن را این می‌داند که به واسطه آن، حمل و نقل کالاهای تجاری آسان می‌شود و سرزمین‌های گوناگون، از کالاهای محصولات سرزمین‌های دیگر استفاده می‌کنند.^۴

در ایران معادن فراوانی وجود دارد. در دوره قاجار نیز تعداد زیادی از این معادن مانند زغال سنگ، آهن، مس، سنگ مرمر، طلا، نقره و انواع سنگ‌ها شناسایی شده بودند^۵ و از جمله وظایف حکومت این بود که این معادن را استخراج کند. از نظر روزنامه‌ثريا، معادنی که استخراج می‌شدند، در صورت وجود راه‌آهن، به آسانی به محل موردنظر منتقل می‌شدند؛ در حالی که اگر این کار توسط حیوانات (چنان که در دوره قاجار در ایران مرسوم بود) حمل و نقل

۱. همان، «مکتوب از اصفهان»، ثريا، سال اول، ش ۳۳، ۱ صفر ۱۳۱۷ / ۱۰ ژوئن ۱۸۹۹، ص ۱۲

۲. همان، «راه آهن و منافع آن»، سال اول، ش ۴۳، ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۱۷ / ۲۰ آوریل ۱۸۹۹، ص ۱۱

۳. همان، «بقیه مقاله و ذکر فان الذکر تنفع المؤمنین»، ثريا، سال اول، ش ۱۱، ۱۶ رمضان ۱۳۱۶ / ۲۸ ژانویه ۱۸۹۹، ص ۱۴

۴. همان، «بقیه مقاله و ذکر فان الذکر تنفع المؤمنین»، ثريا، سال اول، ش ۴۱، ۲۷ ربیع الاول ۱۳۱۷ / ۵ آوریل ۱۸۹۹، ص ۱۶

۵. لیست این معادن و مناطقی که در آنجا یافت می‌شود در شماره چهارم سال اول این روزنامه ذکر شده است.

۴۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

گردد، هیچ فایده‌ای، نه برای مردم و نه برای دولت ندارد؛ مانند زغال سنگ‌هایی که در کوههای مازندران وجود داشت و کسی از آنها فایده‌ای نمی‌برد. ولی اگر در ایران راه‌آهن بود و زغال سنگ‌های ایران را به سواحل دریای خزر، خلیج فارس و دریای عمان منتقل می‌کرد، انگلیسی‌ها، آن را با قیمت بالایی از ایران می‌خریدند و ایران از هر جهت سود می‌برد.

یکی دیگر از فواید راه‌آهن، در زمینه امور نظامی و هنگام جنگ است؛ زیرا از این طریق، به راحتی سلاح، آذوقه، دارو و هر چیزی را که در زمان جنگ بدان نیاز است، به نقاط جنگی ارسال کرد و به همین منظور این روزنامه دولت‌هایی را که خطوط راه‌آهن دارند، مقتدرتر و غنی‌تر می‌داند و بر عکس، کشورهایی را که راه‌آهن ندارند، کشورهایی ضعیف و مغلوب می‌داند. داشتن راه‌آهن را سبب ترقی و پیشرفت یک کشور می‌داند و معتقد است هر دولتی که راه‌آهن نداشته باشد بدون جنگ مغلوب دشمن خواهد بود؛ «زیرا دارو و تریاق بطرف مدت چهل روز از طهران به بوشهر رسید سواحل مارگزیده بحر عمان از شدت جوع و اضطراب و الم مرده، بلکه کفن‌ها پوسیده مشاهده خواهد گردید. در هنگام حرب، بهر نقطه که لازم باشد بتوسط راه‌آهن، از اماکن بعیده بمدت قلیلی عساکر و طوب و تفنگ و مهمات حربیه و آنچه خواسته شود نقل می‌توان داد...»^۱

نکته‌ای که ثریا بر آن تأکید می‌کند، این است که در راهنمایی راه‌آهن، باید توجه داشت که امتیاز آن به بیگانگان داده نشود و اگر قرار است این کار انجام شود، باید به دست خود ایرانیان صورت پذیرد؛ چون در این صورت هیچ سودی به ایران نخواهد رسید و بیگانگان، ایران را هرچه بیشتر وابسته خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

از دید روزنامه‌ثريا، مهم‌ترین عوامل عقب‌ماندگی ایران در دوره قاجار، جهالت و بی‌سوادی مردم، تقدیرگرایی یعنی اعتقاد به قضاوقدر، در همه امور زندگی بدون انجام هیچ‌گونه تلاش و کوششی جهت آبادانی کشور، وابستگی سیاسی و اقتصادی به بیگانگان، نبودن عدالت و مساوات و برابری، و تبعیض دولت میان افشار و گروههای مختلف جامعه است. ثریا معتقد است که تا این مشکلات در جامعه برطرف نگردد، کشور پیشرفت نخواهد کرد.

۱. میرزا علی محمدخان کاشانی، «بقیه مقاله داء سومین التمریض»، ثريا، سال اول، ش ۱۵، ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۱۷، ۱۸ - ۱۶ نوامبر ۱۸۹۹، صص ۱۷ - ۱۸

عقب‌ماندگی ایران در دوره مظفری از دید روزنامه‌ثريا ۴۵

باید توجه کرد که موارد فرق، فکر و اندیشه تمامی روشنفکران عصر قاجار بوده و در بسیاری از روزنامه‌های آن دوره، به این موضوع پرداخته شده است. ثريا نیز به عنوان یک روزنامه انتقادی و روشنفکر، همواره به دنبال یافتن راه حل برای آگاهی مردم و بیرون آوردن کشور از منجلاب عقب‌ماندگی و وابستگی بوده است. از این رو، در مقاله‌های متعدد به صورت موشکافانه و گاهی در قالب طنز و مناظره، به ارائه دیدگاه‌های خود و بیان راه حل می‌پردازد. چنانکه در مقاله برشمردیم، روزنامه با ارائه راهکارهایی مانند علم آموزی و از بین بردن جهل در جامعه، تقویت کردن اقتصاد از طریق پرداختن به کشاورزی و نیز گسترش تجارت در کشور که لازمه آن ایجاد سیستم حمل و نقل است و این خود از طریق احداث راه‌آهن در کشور به دست می‌آید، به تلاش برای از بین بردن عقب‌ماندگی کشور پرداخت؛ اما بیشترین توجه آن به عنوان راهکار برای پیشرفت جامعه، به سوادآموزی و تأسیس مدارس جدید در گربیانگیر ایران عصر قاجار بود، رهایی یافت. در پی دسترسی به این هدف، این روزنامه به کشوری مانند ژاپن که در این دوره پله‌های ترقی را پیموده بود، توجه نمود.

این مسئله یعنی گسترش مدارس جدید در دوره مظفری تحقق یافت. شاید انقلاب مشروطه را بتوان نتیجه بالا رفتن سطح آگاهی مردم در این دوره دانست. مردمی که با فراغیری علوم جدید ف با حقوق خود بیشتر آشنا شده بودند و دیگر یک قدرت مطلق را برنمی‌تافتند.

۶۴ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

منابع کتابها	
شمیم، علی اصغر، ایران در دوره سلطنت قاجار، تهران: انتشارات زریاب، ۱۳۸۳.	-
روزنامه ها	-
کاشانی، میرزا علی محمدخان، «بقیه مقاله داء سومین انمريض»، ثریا، سال اول، شماره ۵ ، ۱۵ رجب ۱۳۱۷، ۱۸ نوامبر ۱۸۹۹.	-
.....، «بقیه مقاله داء سومین انمريض»، ثریا، سال دوم، شماره ۴، ۴ رجب ۱۳۱۷، ۱۱ نوامبر ۱۸۹۹.	-
.....، «بقیه مقاله داء سومین انمريض»، ثریا، سال اول، شماره ۴، ۸ رجب ۱۳۱۷، ۱۱ نوامبر ۱۸۹۹.	-
.....، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی» ثریا، سال اول، شماره ۲۵، پنجم ذی الحجه ۱۳۱۷، ۱۵ آوریل ۱۸۹۹.	-
.....، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی» ثریا، سال اول، شماره ۳۴، ۱۰ صفر ۱۳۱۷، ۱۷ دی ۱۸۹۹.	-
.....، «بقیه مقاله لیس للانسان الا ما سعی»، ثریا، سال اول، شماره ۳۴، ۱۰ صفر ۱۳۱۷، ۱۷ دی ۱۸۹۹.	-
.....، «بقیه مقاله مصاحبه از نمره ۲۸»، ثریا، سال دوم، شماره ۱۱، ۴ رمضان ۱۳۱۷، ۶ نوامبر ۱۹۰۰.	-
.....، «بقیه مقاله نعم علم و نقم جهل»، ثریا، سال اول، شماره ۸، سوم شعبان ۱۳۱۶، ۱۷ دسامبر ۱۸۹۸.	-
.....، «بقیه مقاله و ذکر فان الذکر تنفع المؤمنین»، ثریا، سال اول، شماره ۱۴، شانزدهم رمضان ۱۳۱۶، ۲۸ رزانویه ۱۸۹۹.	-
.....، «بقیه مقاله و ذکر فان الذکر تنفع المؤمنین»، ثریا، سال اول، شماره ۴۱، ۲۷ ربیع الاول ۱۳۱۷، ۵ آوریل ۱۸۹۹.	-
.....، «بندر بوشهر»، ثریا، سال دوم، شماره ۱۴، ۱۷ شوال ۱۳۱۷، ۱۷ فوریه ۱۹۰۰.	-
.....، «ترقی علم در ژاپن»، ثریا، سال اول، شماره ۱۰، ۱۹ شعبان ۱۳۱۶، ۳۱ دسامبر ۱۸۹۹.	-

عقب ماندگی ایران در دوره مظفری از دید روزنامه ثریا ۴۷

-، «ترقی ما و دیگران»، ثریا، سال دوم، شماره ۳۷، ۲۷ جمادی الاول ۱۳۱۷، ۲۲ سپتامبر ۱۹۰۰.
-، «ثریا»، ثریا، سال اول، شماره ۳۶، ۲۲ صفر ۱۳۱۷، ۱۰ جولای ۱۸۹۹.
-، «ثریا»، ثریا، سال دوم، شماره ۱۸، ۱۶ ذی القعده ۱۳۱۷، ۱۷ مارس ۱۹۰۰.
-، «ثمره وفاق - نتیجه نفاق»، ثریا، سال اول، شماره ۱۵، ۲۲ رمضان ۱۳۱۶، ۴ فوریه ۱۸۹۹.
-، «حب الوطن من الايمان» ثریا، سال اول، شماره ۲۶، ۱۲ ذی الحجه ۱۳۱۶، ۲ آوریل ۱۸۹۹.
-، «حب الوطن من الايمان»، ثریا، سال اول، شماره ۳۰، ص ۱۴، ۱۰ محرم ۱۳۱۷، ۲۰ مه ۱۸۹۹.
-، «حب الوطن من الايمان»، ثریا، سال اول، شماره ۲۶، ۱۲ ذی الحجه ۱۳۱۶، ۲۲ آوریل ۱۸۹۹.
-، «حب الوطن من الايمان»، ثریا، سال اول، شماره ۲۱، ۶ ذی القعده ۱۳۱۶، ۱۸ مارس ۱۸۹۹.
-، «حب الوطن من الايمان»، ثریا، سال اول، شماره ۱۲، دوم رمضان ۱۳۱۶، ۱۴ ژانویه ۱۸۹۹.
-، «دار الخلافة طهران»، ثریا، سال دوم، شماره ۱۷، ۹ ذی القعده ۱۳۱۷، ۱۰ مارس ۱۹۰۰.
-، «دار الفنون (فساد اخلاق)»، ثریا، سال دوم، شماره ۱۴، ۱۷ شوال ۱۳۱۷، ۱۷ فوریه ۱۹۰۰.
-، «راه آهن و منافع آن»، ثریا، سال اول، شماره ۴۳، ۱۲ ربیع الثانی ۱۳۱۷، ۲۰ آوریل ۱۸۹۹.
-، «صورت اعلان، وعده خواهی در کاشان بجهت منسوجات شرکت اسلامیه اصفهان»، ثریا، سال دوم، شماره ۳۷، ۲۷ جمادی الاول ۱۳۱۸، ۲۲ سپتامبر ۱۹۰۰.
-، «مکتوب از اصفهان»، ثریا، سال اول، شماره ۲۳، اول صفر ۱۳۱۷، ۱۰ ژوئن ۱۸۹۹.
-، «مکتوب از بغداد»، ثریا، سال اول، شماره ۳۰، ۱۰ محرم ۱۳۱۷، ۲۰ مه ۱۸۹۹.
-، «ملاحظات سیاسی در امور بنادر فارس»، ثریا، سال دوم، شماره ۱۹، ۲۳ ذی القعده ۱۳۱۷، ۲۴ مارس ۱۹۰۰.

۴۸ فصلنامه علمی-تخصصی پژوهش در تاریخ

-، «ملاحظات سیاسی در امور بنادر فارس»، *ثريا*، سال دوم، شماره ۱۶، دوم ذی القعده ۱۳۱۷، ۳ مارس ۱۹۰۰.
-، «ملاحظات سیاسی در امور بنادر فارس»، *ثريا*، سال دوم، شماره ۲۰، ۲۹ ذی القعده ۱۳۱۷، ۳۰ مارس ۱۹۰۰.
-، «مویه ثريا بر جگرگوشگان وطن»، *ثريا*، سال اول، شماره ۳۷، ۲۹ صفر ۱۳۱۷، ۸ جولای ۱۸۹۹.
-، «نعم علم و نقم جهل»، *ثريا*، سال اول، شماره ۲۸، ۳ جمادی الاول ۱۳۱۶، ۱۳ نوامبر ۱۸۹۸.
-، «هل يُستوى الأعمى و البصير»، *ثريا*، سال اول، شماره ۱۱، ۲۶ شعبان ۱۳۱۶، ۷ زانویه ۱۸۹۹.